

رفع سوء تفاهمات

نظر به اینکه احساس می شود برخی از دوستان در مورد مسیحیت دچار سوء تفاهماتی شده اند، به تهیه این مقاله مبادرت بعمل آمده تا این سوء تفاهمات حتی الامکان رفع گردد و همه بتوانند با مسیحیت واقعی آشنایی پیدا کرده و از برکات سماوی آن برخوردار شوند. مقصود اصلی این است که راه برای درک پیام مسیح هموار سازد و این سوء تفاهمات را که غالباً مانع رسیدن به حقایق اصلی مسیحیت می گردد برطرف نماید و به همین دلیل انتظار دارد که خوانندگان عزیز، این مطلب را با فکری روشن و خالی از تعصب و با حسن نیت کامل مطالعه فرمایند و دعا کنند که خدا آنها را در درک حقایق الهی رهبری نماید. که بطور خلاصه و ساده به پنج سوء تفاهم جواب داده شود.

۱- اولین سوء تفاهم این است که مسیحیت یک مذهب خارجی و مربوط به کشورهای غربی است و هیچ ربطی با کشورهای شرقی که دارای عقاید و رسوم مخصوص بخود می باشند ندارد و قسمتی از این سوء تفاهم این است که کشورهای مسیحی خوانده می شوند نماینده مسیحیت واقعی می باشند.

جواب:

ظاهراً چنین نظر می رسد که این سوء تفاهم صحیح است ولی برای رفع آن لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

الف- زادگاه مسیحیت- با توجه به اینکه مسیح در فلسطین متولد شد، واضح است که مسیحیت از همانجا شروع شد. موقعیت جغرافیایی فلسطین طوری است که سه قاره آسیا و آفریقا و اروپا را بهم متصل می سازد. از زمانهای قدیم شاهراههای تجارتي از این سرزمین عبور می کرده و این سرزمین شاهد لشکرکشی های عظیم بوده است. به همین دلیل وقتی مسیحیت شروع شد؛ از این کشور با سرعت زیادی در تمام قسمتهای جهان انتشار یافت.

ب- انتشار سریع مسیحیت- انتشار سریع مسیحیت تا حدود زیادی بعزت اطاعت مسیحیان از دستور مسیح بود که فرمود به تمام عالم بروند و مژده نجات را به تمام مردم برسانند. شاگردان مسیح با استفاده از شاهراههای معروف رومی از طریقهای دریائی و راههای تجارتي به تمام نقاط امپراطوری روم و به اقصای نقاط جهان آن روز مسافرت کردند. این راه ها بقدری امن و راحت بودند که ماموران قیصر و سایرین باستانی می توانستند به دورترین نقاط اروپا مثل انگلستان و همچنین در همان ابتدا توسط یکی از مامورین عالیرتبه دولتی یه کشور حبشه وارد شد. در غالب این نقاط حتی تا امروز هم عده ای مسیحی وجود دارد. مسیحیت بقدری با سرعت پیشرفت کرد که ترتولیان (یکی از مبشرین معروف که در سال ۱۶۰ میلادی متولد گردید) می گوید: مسیحیان، تمام دنیا را پر کرده اند و تعداد بت پرستان خیلی کم شده است. صادرات بخور از عربستان که برای سوزانیدن در معابد بت پرستان مورد استفاده قرار می گرفت خیلی کم شد، زیرا تعداد مصرف کنندگان کاهش یافته بود. وقتی تعداد مسیحیان در امپراطوری روم زیاد شد، دولت سعی کرد با جفا و شکنجه آنها را نابود سازد. عده زیادی تبعید شدند و عده ای را در میدانهای ورزش جلوی شیران گرسنه انداختند و عده ای را بجای مشعل سوزانید. با وجود این، تعداد مسیحیان رو به فزونی می رفت و مثل این بود که خون شهیدان مسیح باعث می گردید که درخت مسیحیت باروتر گردد. بعد از سه قرن مسیحیت توانست دشمنی امپراطوری روم را به دوستی مبدل نماید و در سال ۳۱۳ میلادی قسطنطین امپراطور روم

آزادی مذهب را اعلام نمود و خودش هم مسیحی شد. در اروپا چندین کشور از جمله انگلستان، آلمان و ممالک اسکاندیناوی از بت پرستی دست کشیدند و مسیحیت را پذیرفتند. علاقمندان می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد انتشار مسیحیت به کتب تاریخی مراجعه نمایند. طرز ورود مسیحیت به کشور پهناور چین چندان روشن نیست ولی کتیبه هایی کشف گردیده که حاکی از نفوذ مسیحیت در آن سرزمین می باشد. در مورد انتشار سریع مسیحیت در نقاط مختلف جهان شواهد فراوانی وجود دارد که از آن جمله است کتیبه ها و کتب تاریخی و ساختمانهای عظیم کلیسایی و بیمارستانها و دانشگاههای متعدد که همه حاکی از توسعه مسیحیت در نقاط مختلف جهان می باشد. با توجه به مراتب فوق کاملاً روشن می گردد که مسیحیت منحصر به کشورهای غربی نیست بلکه به تمام جهان تعلق دارد.

ج- تاثیر مسیحیت در کشورهای مختلف - قبلاً اشاره شد که بعد از مسیحی شدن قسطنطین دشمنی امپراطوری روم با مسیحیت به دوستی مبدل گردید. اقوام وحشی متعددی که خارج از امپراطوری روم بودند بت پرستی را ترک کردند و مسیحی شدند. پستیانی دولتها و پادشاهان از مسیحیت خطراتی برای مسیحیت بوجود آورد که از جفاها و شکنجه های اولیه جدیتر بود. هرچند در تاریخ ملل مسیحی گاهی حوادثی وجود دارد که موجب تاسف همگان است ولی بطور کلی می توان گفت که هر جا مسیحیت مورد قبول واقع شده و اصول آن عملی گردید، پیشرفت چشمگیری از نظر آزادی و احترام حقوق بشر حاصل شده است.

د- آینده مسیحیت - از مطالعه نکات فوق معلوم می شود که تقریباً در تمام نقاط جهان عده ای مسیحی وجود دارد. مسیحیت در مشکل ترین شرایط به زندگی و پیشرفت خود ادامه داده و فقط ضعیف شده است که پیروان آن از مسیح دور شده اند. البته باید توجه داشت که عده ای از مسیحیان فقط ظاهراً و اسمی مسیحی هستند در حالیکه مسیحی واقعی کسی است که واقعاً پیرو مسیح بوده و تعالیم او را در زندگی خود اجرا کند و پس کسانی که مایلند در مورد مسیحیت اطلاعات صحیحی داشته باشند باید مسیحیانی را پیدا کنند که زندگی خود را واقعاً به مسیح تسلیم کرده اند، زیرا فقط اینگونه اشخاص می توانند شاگردان واقعی مسیح محسوب شوند.

(در پایان این قسمت بی مناسبت نیست چند کلمه ای در مورد جنبه ابدی مسیحیت ذکر شود. گاهی چنین بنظر می رسد که کشتی مسیحیت نزدیک به غرق شدن است ولی تاریخ ثابت کرده است که اوضاع همیشه به یک حب نمی ماند. مخصوصاً در زمان مراجعت مسیح طبق پیشگویی پیامبران همانگونه که آنها دریا را پر می کنند، زمانی خواهد رسید که درک و شناخت عظمت خداوند، جهان را پر خواهد ساخت. بزودی صلح و عدالت همگانی فرا خواهد رسید و این صلح و عدالت مشروط به تلاش بشر نخواهد بود بلکه خدا آنرا مستقر خواهد فرمود. در حال حاضر مسیحیت هنوز کامل نشده است ولی در زمان سلطنت مسیح به کمال خواهد رسید.

۲- دومین سوء تفاهم این است که مسیحیان به سه خدا اعتقاد دارند.

جواب:

این ادعا کاملاً نادرست بوده و هیچ اساسی ندارد. مسیحیان فقط به یک خدای واحد ایمان دارند. تمام قسمتهای کتاب مقدس بر این حقیقت شهادت می دهند " ای اسرائیل بشنو یهوه خدای ما یهوه واحد است " تثنیه ۶: ۴. عیسی او را جواب داد که اول همه احکام این است که بشنو ای اسرائیل خداوند خدای ما خداوند واحد است " مرقس ۱۲: ۲۹. مطالعه کتاب مقدس کاملاً واضح می سازد که فقط یک خدا وجود دارد (اول تیموتائوس ۲: ۵) در این مورد هیچگونه شک و شبهه ای وجود

ندارد. این سوء تفاهیم شاید از این نظر ناشی شده باشد که مسیحیان معتقدند که در ذات خدای واحد، تثلیث وجود دارد. تثلیث اقدس مربوط به تعداد خدایان نیست بلکه مربوط به ذات خداست. ذات خدا جز اسرار می باشد و در این مورد باید فقط متکی به مکاشفه ای باشیم که از خودش بعمل می آورد. " چیزهای مخفی از آن یهوه خدای ما است و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ما است (تثنیه ۲۹: ۲۹)

باید به این نکته توجه داشته باشیم که حتی آنچه خدا در مورد خودش به بشر کشف می فرماید برای بشر بطور کامل قابل درک نیست. این امر بسیار طبیعی است زیرا بشر محدود نمی تواند بطور کامل به ذات خدای نامحدود پی ببرد. با وجود این می توان اطمینان داشت که اگر مکاشفه الهی را بطرز صحیح درک کنیم، هرچند ممکن است این امر مافوق از عقل و منطق بشری باشد، ولی مخالف آن نیست. بنابراین ارگ با احترام و فروتنی در پی یافتن جواب خود باشیم جوابهایی خواهیم یافت که هم فکر ما و هم قلب ما راضی خواهد ساخت. اگر کسی بخواهد اراده او را بعمل آورد، درباره تعلیم خواهد دانست که از خداست (انجیل ۷: ۱۷)

امور الهی را باید با ایمان قبول کرد، همانطوریکه در زندگی بسیاری از چیزها را بدون اینکه درک کنیم با ایمان قبول می نماییم. مثلاً با وجود یکه از بسیاری از اسرار وجود خود بی خبریم، در عین حال قبول می کنیم که خودمان و سایرین وجود داریم. هرچند ممکن است اسرار الهی را کاملاً درک نکنیم ولی درباره وجود او نباید هیچ شکمی داشته باشیم. کتاب مقدس برای ما روشن می سازد که خدا واحد است و هیچ شریکی ندارد. در عین حال کتاب مقدس تعلیم می دهد که خدا با وجود واحد بودن یک وجودیست مرکب. این امر با اصول عقل نیز سازگار می باشد زیرا در واقع تصویری وجودی که مطلقاً واحد باشد امکان پذیر نیست. خدا توسط کلام خود با بشر سخن می گوید و وجود کلام خدا چیزی است که وحدت مطلق را از بین می برد ولی این امر مخالف وحدت خدا نیست. همچنین ما گاهی اصطلاح روح خدا یا روح الله را بکار می بریم و می دانیم که خدا توسط روح خود کائنات را خلق کرد و کلام خود را به پیامبران الهام فرمود. آیا وجود روح خدا که در کتاب مقدس تشریح گردیده مخالف وحدانیت خدا می باشد؟

بهبهچوجه برای اینکه موضوع روشنتر شود اکنون مثالهایی ذکر خواهیم کرد تا معلوم شود در دنیایی که خدا خلق فرموده است در وحدت، ترکیب وجود دارد. یکی از بهترین نمونه ها خود انسان است که اشرف مخلوقات شناخته شده است. انسان از نظر سیرت شبیه خدا می باشد، عقل و عواطف و اراده دارد. در هر تصمیمی که انسان می گیرد این سه جنبه ذات او شرکت دارند. مخصوصاً در مورد استدلال کاملاً متوجه می شویم که در داخل این انسان واحد مکالماتی صورت می گیرد. غالباً می شنویم که شخصی می گوید: با خود گفتم " این امر نشان می دهد که انسان در عین وحدت دارای گوناگونی می باشد و. در مکالمات داخلی، چه شخصی سخن می گوید؟ معلوم است که یک شخص واحد در باطن خود استدلال می نماید. گاهی شخص از شدت شادی در " خود نمی گنجد و یا بعد از مدتی که بیخود شده است به خود می آید "... این نمونه ها تا حدی خصوصیات الهی را روشن می سازند. در عالم طبیعت نیز می توان موارد فراوانی یافت که در آنها وحدت و گوناگونی در یکجا جمع شده اند. وجود گرما و نور و انرژی در خورشید نمونه خوبی است. فضا که واحد است نیز شامل طول و عرض و ارتفاع می باشد. اگر یکی از این سه بعد از بین برود فضا هم از بین خواهد رفت. نمونه های بسیار دیگری می توان ذکر کرد که نشان می دهند که خدا از خلقت، اصل تثلیث در وحدت را رعایت کرده است. پس این امر برخلاف عقل و منطق نمی باشد.

کتاب مقدس نشان می دهد که خدا از ازل شامل پدر و پسر و روح القدس بوده است و این سه جزء ذات خدا هستند. این موضوع را نمی توان با فرمولهای ریاضی تشریح کرد زیرا طبق قوانین ریاضی هرچند یک باضافه یک باضافه یک مساوی سه می شود ولی در عین حال یک ضرب در یک ضرب در یک ضرب در یک مساوی یک است. فهم و استدلال و تلاش بشری

قادر به تشریح این سر عظیم نمی باشد. اصولاً جر و بحث درباره ذات خدا فایده ای ندارد. برای اینکه بتوانیم آن وجود نامحدود را کاملاً درک کنیم باید خودمان هم نامحدود باشیم. پس لازم است با کمال احترام آنچه را که در باره ذات خدا در کتاب مقدس مکشوف شده است بپذیریم.

یکی از بهترین موارد مذکور در کتاب مقدس درباره تثلیث در وحدت، واقعه ایست که در انجیل متی فصل سوم نقل گردیده است. در این قسمت در زمان تعمید مسیح در آغاز شروع خدمت خود می خوانیم که روح القدس بصورت کبوتر (که نمونه صلح و آرامش می باشد) بر مسیح نازل می گردد و این صدا از آسمان شنیده می شود "این است پسر عزیز من که از او خوشنودم" در اعمال رسولان اشارات متعددی به روح خدا، پسر خدا و خدای پدر وجود دارد و هر یک از این سه اقنوم در واقع خداست.

مراتب فوق روشن می سازد که طبق مکاشفه ای که خدا در کتاب مقدس و در طبیعت و در ذات انسان انجام داده است، امکان دارد که خدای واحد شامل تثلیث یعنی پدر و پسر و روح القدس باشد. این حقیقت با وجودیکه از عقل انسان بالاتر است ولی مخالف آن نیست.

باید اعتراف کرد که موضوع تثلیث در وحدانیت خدا موضوع مشکلی است که فکر بسیاری را بخود مشغول کرده است. ما که در این مورد تجربیاتی داریم شهادت می دهیم که هر چند این موضوع از عقل ما بالاتر است ولی تنها عقیده ای است که انسان دارای قلبی توبه کار باشد و برای یافتن بخشش گناهان و آرامش، بسوی خدای قدوس روی آورد. شناختن واقعی خدا با قبول راهی که خدا از راه لطف برای بخشیدن انسان گناهکار فراهم ساخته است امکان پذیر می باشد زیرا مطابق کتاب مقدس "بوسیله اجازه داریم که در یک روح" یعنی روح القدس به حضور خدای پدر بیائیم" افسسیان ۲: ۱۸

۳- سومین سوء تفاهمی که برای عده زیادی پیش آمده است اینست که اصطلاح "پسر خدا" که برای عیسی مسیح بکار می رود معنی جسمانی دارد با این که خدا زن گرفته و داری پسری شده است.

جواب:

نظیر این عقیده غلط را می توان در میان بت پرستان قبل از مسیحت پیدا کرد که طبق آن خدایان ازدواج می کردند و دارای فرزند می شدند. افسانه های هند و یونان باستان شامل چنین مطالبی است. واضح است که چنین عقایدی بهیچوجه با اصول خداپرستی واقعی مطابقت ندارد و در کتاب مقدس و اصول عقاید مسیحی دیده نمی شود. جای تعجب نیست که اشخاص خدا پرست چنین عقایدی را مورد تحقیر و تمسخر قرار می دهند.

نکته مهمی که باید در نظر داشت این است که اصطلاح "پسر خدا" بودن مسیح بهیچوجه جنبه جسمانی و جنسی ندارد. در مکالمات روزمره هم گاهی چنین اصطلاحاتی بکار میبریم. مثلاً وقتی می گوئیم فلانی "ابن الوقت" است منظورمان این نیست که او حتماً پسر وقت است باین معنی که "وقت" با زنی ازدواج کرده و دارای فرزندی شده است. یا وقتی می گوئیم فلانی "پدر دروغگوها" است مقصودمان این نیست که او با زنی ازدواج کرده و دارای فرزندی شده که همه دروغگو هستند. پس چرا در مورد مسیح این سوء تفاهم پیش آمده است که مقصود مسیحیان اینست که خدا زنی اختیار کرده و مسیح پسر اوست؟ این سوء تفاهم را باید رفع کرد زیرا باعث شده است که عده زیادی از توجه کردن با انجیل روگردان باشند. بدون شک تولد عیسی مسیح از عجیب ترین وقایع جهان است زیرا او را بدون اینکه پدر جسمانی داشته باشد از مریم باکره متولد شد و مسلمین نیز او را عیسی بن مریم می خوانند. تولد مسیح از باکره حتی در قسمتهای اول تورات بطرز عجیبی پیشگویی شده است و در همان ابتداء که انسان بر اثر وسوسه شیطان به گناه گرفتار شد، خدا خطاب به شیطان نموده چنین می فرماید: "عداوت در میان تو و زن و در میان ذریت تو و ذریت وی می گذارم او سر ترا خواهد کوبید و تو پاشنه وی را

خواهی کوید "اصطلاح" ذریت نسل زن " بسیار جالب توجه است. اشعیا نبی این موضوع را تأیید می کند و می فرماید: " اینک باکره حامله شده پسری خواهد زائید ". متی در انجیل خود تولد مسیح را بطرز جالبی تشریح میکند. متی ۱: ۱۶-۲۵ و نشان می دهد که چگونه پیشگونیهای پیامبران در تولد مسیح از باکره انجام گردیده است. نجات دهنده عالم می فرماید: بدنی برای من مهیا ساختی (عبرانیان ۱۰: ۵)

برای تمام جهانیان برای شخصیت و تعالیم عیسی مسیح اهمیت و احترام فراوانی قائل هستند. عده ای او را " پیامبر معصوم " می خوانند و بدیهی است که او واقعاً معصوم و پاک و بدون گناه بود. البته مسیح پاک و بی گناه بود، ولی چنانکه خواهیم دید شخصیت او خیلی بالاتر از اینها می باشد. در انجیل لوقا درباره طرز حامله شدن مریم چنین می خوانیم که وقتی فرشته به او خبر داد که بزودی حامله خواهد شد " مریم به فرشته گفت: این چگونه ممکن است؟ من با هیچ مردی رابطه نداشته ام. فرشته با او پاسخ داد: روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند و به این سبب آن نوزاد مقدس، پسر خدا نامیده خواهد شد " لوقا ۱: ۳۴-۳۵

ممکن است برای عده ای این سوال پیش بیاید که چرا مسیحیان این لقب " پسر خدا " را تغییر نمی دهند تا این همه باعث سوء تفاهم نشود؟ آیا نمی توان برای مسیح لقب دیگری بکار برد که کمتر ایجاد ناراحتی کند؟ البته مسیح لقبهای دیگر مانند " کلمه خدا " نیز دارد ولی دی عین حال باید بدانیم که ما حق نداریم کلمه " پسر خدا " را که در کلام خدا ذکر گردیده است به میل و سلیقه خود تغییر دهیم. حالا کمی به این موضوع توجه کنیم که چرا این اصطلاح در کلام خدا بکار برده شده است. اولین دلیل این است که این اصطلاح نشان می دهد که عیسی مسیح می تواند واقعاً ذات و ماهیت خدا را برای بشر ظاهر سازد و مظهر کامل و تجلی بخش او باشد. " خدا را هرگز کسی ندیده است. پسر یگانه ای که در آغوش پدر است همان او را ظاهر کرد " (یوحنا ۱: ۱۸)

فقط پسر خدا می تواند خصوصیات و صفات واقعی پدر آسمانی را به بشر نشان دهد. در عبرانیان فصل اول آیات ۱ تا ۳ می خوانیم که عیسی مسیح پسر خدا و فروغ جلال و خاتم جوهر الهی است. به عقیده مسیحیان بدون شناسایی پسر، یعنی عیسی مسیح، امکان ندارد بتوانیم خدا را واقعاً بشناسیم. جا دارد که در اینجا به یک نکته مهم اشاره نمایم. در قسمت قبل ذکر شد که پسر از ازل یکی از سه اقنوم الهی است و اصطلاح پسر خدا قرنهای قبل از تولد مسیح توسط پیامبران برای او بکار برده شده است. مثلاً در مزموور دوم می خوانیم که خطاب به پسر می گوید: تو پسر من هستی. این موضوع نشان می دهد که از ازل روابطی بین سه اقنوم الهی وجود داشته است. کتاب مقدس می فرماید: " خدا محبت است " (اول یوحنا ۴: ۱۶) و لازم است که خدا بتواند محبت خود را ابراز نماید. محبت بدون وجود محبوب غیر قابل تصور است. این محبوب که پسر خداست از ازل وجود داشته و یکی از سه اقنوم خدا می باشد و همین پسر ازلی خدا مجسم گردید و از مریم باکره متولد شد. رابطه ای که بین پدر و پسر جسمانی در این جهان وجود دارد به هیچوجه کامل نیست بلکه نمونه بسیار ضعیف و ناقصی است از رابطه پسری و پدری که در تثلیث اقدس وجود دارد.

۴- چهارمین سوء تفاهم این است که مصلوب و کشته شدن عیسی مسیح شایسته مقام او نیست و خدا بهیچ وجه نخواهد گذاشت که مسیح با چنین وضع تاسف آوری کشته شود زیرا عقیده به بخشش گناهان بوسیله کشته شدن مسیح عقیده ای غلط و مخالف اخلاق است.

جواب:

این ایرادات در قرن اول مسیحیت هم وجود داشته و یونانیان عقیده به مصلوب شدن مسیح را نوعی حماقت می دانستند و یهودیان از آن لغزش می خوردند. یکی از دلایل وجود این ایرادات این بود که اعدام بوسیله صلیب در آن موقع خیلی وحشت آور بود. در میان رومیان صحبت درباره این نوع مرگ پر شکنجه بر خلاف اصول ادب شمرده می شد زیرا صلیب یکی از ظالمانه ترین وسایل اعدام بود. به همین دلیل بود که وقتی مسیح درباره مصلوب شدن خود پیشگویی فرمود، پطرس او را منع کرد (متی ۱۶: ۲۲ و ۲۳). کشته شدن مسیح بر روی صلیب نه فقط در کتاب تاریخی مذکور می باشد، بلکه در عهد جدید مفصلاً درباره آن صحبت شده است. هر چند مسیح فقط شش ساعت بر بالای صلیب بود ولی قسمت مهمی از عهد جدید به بحث در این مورد اختصاص داده شده و طرز دستگیری و محاکمه و مصلوب شدن و دفن شدن و قیام او با تفصیل زیاد و با ذکر جزئیات تشریح گردیده است.

نکته تعجب آور اینست که عیسی مسیح بارها درباره مصلوب شدن خود سخن گفته است. مقصود خود را از آمدن به جهان با این کلمات بیان فرمود " پسر انسان (یعنی عیسی مسیح) نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند " (مرفس ۱۰: ۴۵). مسیح از این نوع فرمایشات بارها فرموده است.

قبل از اینکه بخواهیم معنی واقعی صلیب را درک کنیم لازم است با این نکته توجه نمائیم که فداکاری و جانبازی، اصلی است که مورد قبول و احترام بزرگان می باشد. ما به تمام کسانی که در راه هدفها و ایمان و اعتقادات خود از بذل جان خودداری نکرده اند احترام می گذاریم و تمام شهیدان راه حق و حقیقت را تمجید می نمائیم. در تاریخ بشر عده زیادی وجود داشته اند که جان خود را برای دیگران فدا کرده اند. چند سال پیش در آلمان برای کشیشی که بجای یک نفر محکوم به اعدام، داوطلبانه جان خود را در زمان نازیها فدا کرد مراسم احترام بعد از مرگ اجرا شد. چون این شخص محکوم به اعدام دارای فرزندی بود کشیش حاضر شد که بخاطر فرزندان و برای اینکه آنها بی پدر نمانند کشته شود. در میان مادران عده زیادی بوده اند که جان خود را برای فرزندان فدا کرده اند. حتی در عالم نباتات هم، دانه در زمین از بین می رود تا گیاه تازه ای بوجود آید. حیوانات هم در مقابل خطراتی که برای بچه های آنها وجود دارد تا پای جان فداکاری می کنند. بشر برای ادامه حیات خود حیوانات را ذبح می نماید و بعنوان خوراک از آنها استفاده می نماید. این قربانیهها هر چند هم به اجبار عملی می شود ولی باعث بقای عمر بشر است. به نسبت زیادتری زندگی ما مدیون والدین و معلمین و پیشوایان روحانی هستیم. عقیده مسیحیان اینست که قربانی مسیح بزرگترین فداکاریهاست. این موضوع نه فقط شرم آور نیست بلکه عالیتترین کار اوست و این فداکاری مسیح باعث شده است که در بیشتر جوامع بشری عده زیادی از او الهام یابند و برای اصطلاحات اجتماعی تلاشهای فراوان نمایند.

آیا این موضوع با صفات الهی رابطه ای دارد؟ آیا خدا به قربانی شدن مسیح احتیاجی دارد؟ مگر خدا نمی تواند در صورتیکه بخواهد بدون قربانی تمام مردم را ببخشد؟ توجه به مطلب نشان خواهد داد که خدا از همان ابتدا طبق اصولی که شرح دادیم مشغول بکار بوده است.

در عهد عتیق در کتاب لاویان (سومین کتاب تورات) مقررات دقیقی در مورد قربانی کردن وجود دارد که حضرت موسی با الهام ثبت کرده است. در میان قوم اسرائیل قربانیهای مختلفی برای آموزش گناهان و مصالحه با خدا و یا تقدیس وجود داشت و قوانین زیادی در این مورد وجود دارد. فلسفه تمام این قربانیها این است که فقط با ریخته شدن خون، آموزش گناهان امکان پذیر می باشد و حیوانی که قربانی می شد بجای شخص گناهکار جان خود را فدا می کرد. معذرا یهودیان مومن متوجه بودند که این قربانیها علامت و نشانه ای است از یک قربانی بزرگ و مهم که در آینده انجام خواهد شد.

حضرت داود در حالیکه برای گناهان خود می گریست چنین فرمود " زیرا قربانی را دوست نداشتی والا می دادم. " و سپس اضافه می کند " زیرا قربانی خدا روح شکسته است. خدایا دل شکسته و کوبیده را خوار نخواهی شمرد. " فرمایشات حضرت داود انعکاسی است از عقاید ایمانداران واقعی اسرائیل که متوجه شده بودند قربانی حیوانات نشانه ایست از یک قربانی عظیم الهی که توسط خدا آماده شده است.

پس توجه می فرمایید که قربانی شدن مسیح نقشه خدا برای رستگاری انسان بوده است. راه نجات بشر گنهکار همین بود. متوجه می شویم که قربانی شدن مسیح تکمیل تمام مراسم مربوط به قربانیهای قبل از وی بوده است. در میان بنی اسرائیل قربانیها پیوسته تکرار می شدند ولی قربانی یکبار کافی بود. سایر قربانیها با زور انجام می شدند ولی مسیح با میل خود قربانی شد. سایر قربانیها از حیوانات بودند ولی قربانی مسیح الهی بود. عیسی مسیح، خدای مجسم شده بود که در بالای صلیب جان داد. عبارت دیگر خدا مجازات گناه بشر را بر خود گرفت و به همین دلیل این قربانی کاملاً کافی بود. این عالیتترین درجه اخلاق و نهایت لطف و فداکاری الهی است.

" خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه می داد. "

مسیح حاضر شد که بدترین و رنجآورترین نوع مرگ را که صلیب بود بپذیرد و حتی بقدری خوار شده که در میان دو دزد مصلوب گردید و این امر نشان می دهد که برای نجات بشر تا چه حد حاضر به فداکاری بود و در بالای صلیب نیز برای نجات دزدانهائی که با او مصلوب شده بودند فکر می کرد. خدا فداکاری مسیح را که در مصلوب شدن وی عملی گردید قبول کرد و با زنده کردن مسیح تائید نمود که قربانی مسیح پذیرفته شده است. البته قیام یا رستاخیز مسیح موضوع مفصل دیگری است که در اینجا بحث نمی کنیم.

یکی از دستورات مسیح به شاگردان این بود که مرگ او را بخاطر داشته باشند. میلیونها نفر در طول تاریخ و در سرتاسر جهان مرگ گرانبهائی او را به یاد می آورند. تمام مسیحیان با اجرای مراسم عشاء ربانی مرتباً به یاد مرگ نجاتبخش مسیح هستند. این امر تا مراجعت مسیح قسمت اصلی و هسته مرکزی عبادت مسیحی را تشکیل می دهد. کلام خدا می فرماید: " ذکر صلیب برای هالکان حماقت است لکن برای ما که ناجیان هستیم قوت خداست. "

۵- پنجمین سوء تفاهم اینست که کتاب مقدس کتاب معتبری نیست بلکه تحریف شده و با نسخ تفاوت دارد و در آن

اشتباهات و تناقضاتی دیده می شود.

جواب: این سوء تفاهم از دو موضوع سرچشمه گرفته است:

اولاً در قرن گذشته در کشورهای غربی مطالعاتی در مورد منابع کتاب مقدس انجام و حملات زیادی به کتاب مقدس شده است. بطور خلاصه باید گفت این منتقدین در مخالفت با امور الهی و ماوراء الطبیعه از جمله معجزات بقدری تعصب نشان می دهند و عقایدشان بقدری با یکدیگر تناقض دارد و نظراتشان ظرف چند سال بقدری دستخوش تغییر می گردد که نمی توان آنها را جدی گرفت و به آنها استناد کرد. بطور خلاصه می توانند گفت که تا کنون هیچ نوع دلیل تاریخی و باستانشناسی ارائه نشده که مخالف حقایق مذکور در کتاب مقدس باشد بلکه بر عکس تمام کشفیاتی که بعمل آمده صحت و اعتبار کتاب مقدس را تصدیق و تائید کرده اند. دانشمندان ایماندارانی که در مورد منابع و تاریخ کتاب مقدس مطالعات عمیقی کرده اند به صحت و اعتبار آن اعتماد کامل دارند.

ثانیاً دومین سرچشمه این سوء تفاهم این است که بعضی از دوستان مسلمان ادعا می کنند که در کتاب مقدس تحریفات و تغییراتی بعمل آمده است بدون اینکه علت و تاریخ این امر را ذکر نمایند. باید توجه داشت که کتاب مقدس برای کسب

اطلاع صحیح در مورد خدا بسیار ضروری است و با الهام الهی توسط پیامبران مقدس نوشته شده و برای راهنمایی و اصلاح ایمانداران بسیار مفید می باشد. مسیح در مبارزات خود با شیطان سه بار از کتاب مقدس نقل قول کرد و اعتبار و صحت کتاب مقدس را مورد تأیید قرار داد. مسیح فرمود که آسمان و زمین زائل خواهد شد ولی کلام خدا هرگز زایل نخواهد گردید. کلام خدا تا ابد پایدار خواهد ماند. بسیار لازم است که از طرف خدا کلامی در دست داشته باشیم که معتبر و قابل اعتماد باشد. کتاب مقدس در مدتی در حدود یکهزار و پانصد سال نوشته شده و قسمتهای اول آن با الهام خدائی توسط حضرت موسی و قسمتهای آخر آن در قرن اول میلادی توسط شاگردان مسیح با الهام روح القدس به رشته تحریر در آمد. عهد عتیق شامل کتب مقدسی است که توسط پیامبران قبل از مسیح نوشته شد و با توجه به نسخه های بسیار قدیمی که در منطقه دریای مرده در فلسطین پیدا شده است معلوم می شود که نسخه هایی که فعلاً متداول است از نظر صحت متن و مطابقت با نسخه های بسیار اصلی کاملاً معتبر و قابل اعتماد می باشد. این نسخه های بسیار قدیمی که در نزدیکی دریای مرده پیدا شده اند به طومارهای دریای مرده معرف هستند. در میان این طومارهای بسیار قدیمی قسمتهائی از تمام کتابهای عهد عتیق باستانی کتاب استر وجود دارد و حتی بعضی از کتابها کامل می باشد. با استفاده از اصول علمی، تاریخ این طومارها قرن اول و دوم قبل از میلاد از مسیح تعیین شده است. قبل از کشف طومارهای دریای مرده، قدیمترین نسخه های عهد عتیق متعلق به قرن نهم میلادی بود و وقتی دانشمندان، عهد عتیق موجود را با این نسخه های قدیمی مقایسه کردند از صحت و درستی آن عجب ماندند.

قسمتهای مختلف عهد جدید در قرون اول میلادی به نقاط مختلف جهان برده شد و به زبانهای متعدد ترجمه گردید. این نوشته ها باعث می شد که مسیحیان حقایق مسیحیت را در همه جا بیاموزند و آنها را بعنوان عالیتین مرجع در مورد اصول عقاید مسیحی مورد استفاده قرار دهند.

کتابهای هم وجود دارند که در رد مسیحیت و یا توسط کسانی که عقاید منحرف کننده ای داشته اند نوشته شده است. بعضی از این کتابها برای حمله به مسیحیت و بعضی هم برای اشاعه عقاید غلط بوده است که از آن جمله است کتاب انجیل جعلی برنابا. رهبران مسیحی این کتابها را با موازین مسیحیت و مقایسه و آنها را رد کرده اند و کلیسا با هدایت روح القدس کتب مسیحی را حفظ کرد.

اعتقاد مسیحیان اینست که خدا کتب مقدسه را برای راهنمایی بسوی نجات به بشر ارزانی فرموده و این کتب طی قرون تحت هدایت روح القدس و با الهام الهی نوشته شده و کتاب مقدس کامل، شامل دستورات الهی و راه صحیح نجات از گناه می باشد. به همین دلیل است که تمام قسمتهای کتاب مقدس با وجودی که طی قرون متمادی نوشته شد، با یکدیگر مطابقت کامل دارد و دارای قدرتی است که میلیونها نفر را بطرف نجات رهبری کرده است. البته واضح است کسانی که به خدا ایمان ندارند حقایق کتاب مقدس را از قبیل طرز آفرینش، ورود گناه به جهان، پیشگوییهای مربوط به آمدن نجات دهنده و معجزات مذکور در کتاب مقدس را نمی توانند به آسانی قبول نمایند بلکه پیرو افکار و خیالات انسانی خود هستند و افکار الهی را نمی پذیرند. ولی مسیحیان ایماندار معتقدند که کتاب مقدس کلام الهی است که توسط خدا به ما ارزانی گردیده و کاملاً قابل اعتماد و معتبر می باشد و تمام ایرادات مطرح شده توسط بی ایمانان، دارای جوابهای قانع کننده است.

با توجه به مراتب فوق روشن می شود که اصالت و اعتبار کتاب مقدس مورد تأیید دانشمندان ایماندار می باشد و با توجه به تاثیرات شگرفی که کتاب مقدس در اصطلاح وضع اجتماعات و تغییر زندگی افراد داشته است. می توان مطمئن بود که هیچگونه تغییری در متن آن بعمل نیامده است. پس نتیجه می گیریم که به قول ویلیام گلاستون، نخست وزیر معروف انگلستان: "کتاب مقدس کلام غیر قابل تسخیر و شکست ناپذیر الهی می باشد"

خاتمه. اکنون بحث خود را در مورد سوء تفاهماتی که غالباً برای علاقمندان به پیام مسیحیت پیش می آیند خاتمه می دهیم.

سعی کردیم این نکته را روشن سازیم که کتاب مقدس کاملاً معتبر و قابل اعتماد می باشد و در هر جا که مورد قبول واقع شده اصطلاحات و بهبود کاملی در وضع مردم بوجود آورده است. امیدواریم که این توضیحات باعث گردد که شما به کشف حقیقت علاقمند شوید و در جستجوی آن باشید.

ضمناً ذکر این نکته را نیز لازم می دانم که علاقه فکری و عقلانی در این مورد کافی نیست. کتاب مقدس می فرماید که شیاطین نیز ایمان دارند (که خدا واحد است) و می لرزند. اطلاع و دانش تا وقتی در زندگی عملی مورد استفاده قرار نگرفته باشد فایده ای ندارد. اگر از غذائی فقط تعریف و تمجید کنیم از آن بهره ای نخواهیم برد. برای اینکه از غذا استفاده کنیم باید آنرا بخوریم. نیروی پیام مسیحیت فقط وقتی ظاهر می شود که به عیسی مسیح، که هم فرزند خداست و هم نجات دهنده مصلوب و زنده بشریت می باشد، ایمان بیاوریم. جمیع انبیاء بر او شهادت می دهند که هر که بوی ایمان آورد به اسم او آمرزش گناهان را خواهد یافت. " کسانیکه با ایمان کامل، خود را به عیسی مسیح سپرده اند، دارای آرامش واقعی که نتیجه بخشش گناهان است شده اند و در زندگی ترقی پیدا کرده و صاحب یک نیروی روحانی گردیده اند که می توانند در زندگی خود خدا را خشنود سازند.